

## با این ننگ چه باید کرد؟!



### پیوسته به گذشته فصل دوم قسمت ششم

**آورده اند** در یکی از جنگ ها و قتی یک سرباز از جبهه برگشته بود نزد قوماندانش رفت و تفنگی را که از دشمن گرفته بود را به قوماندان نشان داد ، قوماندان نیز بلا فاصله به سرباز مدت پنج روز رخصتی تشویقی داد. سرباز پس از مدتی یک تفنگ دیگری را آورد و ده روز رخصتی گرفت . یک روزی که قوماندان فرقه در جمع سربازان و نظامیان از آن سرباز تقدیر میکرد ، از او خواست تاکتیک اش را به دیگر سربازان نیز بازگو کند ، سرباز نیز بیدرنگ شروع به جواب دادن کرد و گفت : قربان هر دفعه یک تانک خود ما را را به دشمن میدهم و یک تفنگ را می گیرم .



### خبر دار ! باخبر ، فرمان سلطانی در باره حریم هوایی افغانستان تصویب شد !

الحمد لله که میبینیم هنوز زمین خدا از حجت خالی نیست که اینک پس از هفده سال تمام مرشد نشسته در خانقأ ارگ شریف فرمانی را به امضأ رساند که نمایانگر خط و نشان کثی به طیاره های است که از سوی کشورهای خارجی من جمله برادران یهود و نصارای امریکا و انگلیس بر فراز آسمان کشور ما به پرواز می آیند . جالب است که این فرمان از طویله ملت یا همان استراحتگاه موسوم به پارلمان افغانستان نیز فقط با دوازده رأی مخالف که از جمله یکصدو چند رأی مخالفت نسبتاً سبک و فرمانی به شمار می آیند با اکثریت آراء به تصویب رسید ! این پرسش دیگری است که طی هفده سال گذشته داروغه های ارگ و سپیدار بصورت آگاهانه و با دالر پاشیدن در چشم ملت مظلوم افغانستان از آزادی ، دموکراسی و استقلال سخن میگفتند و اکثریتی از این ملت بیچاره نیز هر چند می دانستند که بنام آزادی ، دموکراسی و استقلال ملی چه زهری برای خواباندن و به اعتیاد درآوردن آنها سفارش میشود ؟



بدبختانه هنوز هم این روح مافیائی و این سیاست گام به گام بسوی عقب هرچند در شکل پنهان و پیچانیده شده درشعار ها و چغ اس های که دیوانه و اراز برخی حنجره های امریکائی ها و انگلیس های افغان تبار خارج می شوند همچنان حضور دارد و ضربه میزند . اینکه پس از هفده سال رسماً اعلام میشود که طیاره های مبارک **ناتو** ، ایالات متحده امریکا و انگلیس جز این نقشه اند باز هم امر مبارکی است . اما خداکند این آخرین فرمان داروغه ارگ شریف باشد که در گذشته نیز بصورت عوام فریبانه از این بازی ها بصورت فروان دیده شده است .

<http://www.dailymotion.com/video/x6bt1p9>

وقتی دروجدان عمومی به عنوان یک ضرورت ملی مفاهیمی چون استقلال ، آزادی ، دموکراسی و حرمت به انسان و دیگر مفاهیم فرهنگی و سیاسی مشخص نباشد دور از انتظار نیست که برخی از دولت مردان فرعون صفت و دیکتاتور مآبی به مسخ ترمولوژی سیاسی بپردازند ، جالب ترین و درعین حال بامزه ترین سخنان وکیل صاحبی بوده که در زیر چهره مبارک اش اسم وکیل محمد نواب منگل نگاشته شده بود و با سرعت و متانت بزبان پشتو سخنرانی می فرمود گفت که با تصویب این فرمان ما برای خارجی ها راه را باز میکنیم زیرا هرکس میتواند که در یک هلیکوپتر نظامی به عوض اینکه این ها چهار ویا پنج نفر عمله وجود داشته باشد ، ده تن از مخالفین را بلند می کند و در نیمه راه پائین می دارند ، به اهداف شان خود را میرسانند برای انجام اعمال تخریبی !



به گمان غالب این وکیل صاحب شرف برادرزاده گی و اخوت خونی با ضابط گلاب منگل والی ولایت سرسبز ننگرهار را دارد که وی یعنی حضرت ضابط صاحب محمد گلاب منگل والی مقتدر ننگرهار نیز توانیسته است از برادران داعشی یا همان یاران گرم آبه و گلستان حنیف خان آمرتنها بازمانده رژیم کمونیست و جنگ معروف جلال آباد که درعین حال با اجرای شغل مقدس جاسوسی و آدم کشی هزاران انسان آزاده میهن مانند زنده یاد هریک بشیر بهمن ، استاد لطیف محمودی و دیگر

یارانش به جرم آزادی خواهی و استقلال طلبی به شهادت رساندند. واقعیت این است که از همان آغاز یورش نیروهای خارجی بر افغانستان تمامی میدانهای هوایی بین المللی کشور در تصرف نیروهای خارجی درآمده اند و این مطلب را همه آرکین بلند رتبه حکومت وحدت ملی بخوبی واقف اند. هیچکسی نه می داند که این نوع حضور و تسلط نیروهای گوناگون شامل در ائتلاف بین المللی ضد تروریسم تا چه زمانی ادامه خواهند داشت؟



### حکومت وحدت ملی با لشکری از مفتخوارانی بنام مستشاران!

چنانچه همه خواننده گان عزیز میدانند و به چشم و پوست خویش احساس میکنند که چگونه جسد متلاشی شده و متعفن فساد در کاباره های ارگ و قصر سپیدار به رقص پرداخته و زمین وزمانی را که از دیر به لوٹ کثافت و نجاست خویش آلوده کرده بود هنوز هم برجاست. با این حال امروز خواندیم و شنیدیم که در حکومت وحدت ملی افغانستان به تعداد ۲۲ هزار تن لشکری از مفتخوارانی بنام مستشار از اقتصاد مافیائی تغذیه میشود.

<https://www.youtube.com/watch?v=thmAqWQBd-w&feature=youtu.be>

### راستی راه علاج چیست؟

بدون ارائه یک راه عقلانی و علمی که بتواند نیاز اساسی انسان را تکافو کند بر سر این و آن کوفتن، جنجال نمودن و هوا را بیشتر آلوده کردن و زمین و زمان را دوباره لگد کوب کردن آب را در مبرز دشمن انداختن و شعار کار به اهل کار سپردن را تکرار کردن و عجله و عجله کردن اگر عجله نکنیم خفه و زنده بگور خواهیم شد هیچ دردی را دوا نه میکند! می بینید دوستان! چنین است تمثیل روزگار ما و این است حکایت امروز افغانستان ما! چنانچه می بینیم جو روشنفکری جامعه ما یعنی محیطی که خاص تحصیل کرده های جدید است همچنان به شدت تحت تأثیر هوای فکری و ذوقی مافیای حاکم است. هنوز استقلال فرهنگی و علمی در برابر بیگانگی ها از مرحله یک آرزوی دور دست پیشتر نیامده است. در چنین فضای که همه با هوای نظام مافیائی حاکم بر سرنوشت افغانستان نفس میکشند و جز کالاهای فکری و اقتصادی بویژه فرهنگی وارد شده از غرب و کشورهای همسایه را مصرف نه میکنند و غالباً در برابر هجوم فرهنگی بیگانه با دست و دل خالی و حتی نیازمند نشسته اند و رنج می برند و میکوشند تا صمیمانه دست به کار شوند و نسل بی دفاع و بی سلاح خویش را با ایمان و عقلانیت و آگاهی مجهز کنند تا بینش مستقل و مترقی در آنان پدید آورند و با سرمایه راستین ایمان و تقوی خلأ اعتقادی و فرهنگی محیط خویش را پر کنند.



من به عنوان یک شهروند عادی این جامعه و این نسل اکیداً باور دارم تا آنگهی که گروهی از تحصیلکرده های جدید به اصطلاح روشنفکران ما درحاشیه زندگی میکنند ، با متن مردم پیوندی نداشته باشند ، در حصار تاریک ذهنی و سیاسی و اجتماعی خویش محصوراند ، برای خود زبان و اخلاق و هنر و ادبیات خاصی دارند که با مردم و عوام الناس هیچگونه شباهتی نداشته باشند

